

اولین مرکز ترک اعتیاد زنان



پنجشنبه ۱۱ آذر ۱۳۸۹ - ۲ دسامبر ۲۰۱۰

<http://www.khanekhorshid.ir>

منبع: ایلنا

«خانه خورشید» تنها امید ده‌ها زنیست که بارها خودکشی ناموفق داشته‌اند، شبها در پارک‌های سطح شهر سر می‌کنند، در معرض انواع و اقسامی از

وحشتناک‌ترین آزارهای جنسی قرار دارند، زنانی که بارها زندان رفته‌اند و خانه اول و آخر خود را «خانه خورشید» می‌دانند! اکثر زنان این مرکز، شناسنامه ندارند؛ ازدواج مادران معتاد در جایی ثبت نشده؛ و شوهرانشان آن‌ها را با چند کودک قدونیم رها کرده‌اند

مادران و کودکان به جا مانده از روابط صیغهای و موقت، بدون داشتن شناسنامه دست یاری دراز کرده‌اند...! «خانه خورشید» مرکزگذری ترک اعتیاد

زنان، جایی که صد زن معتاد را با متادون سرپا نگه می‌دارد، چارچوب این خانه به روی زنان معتاد باز است... اما این خانه قانون و مقررات دارد... مقرراتی که با چاشنی محبت همراه است...



«متادون» شربتی که 100 زن معتاد مثل یک داروی روزانه به آن نیاز دارند و اصلی‌ترین بهانه‌ی ورودشان به خانه خورشید، نوشیدن این شربت است. خوردن شربت متادون قانون دارد... جرئه جرئه‌ی آن باید با نظارت پزشک مصرف شود. آخرممکن است زنی با خودداری از مصرف شربت، آنرا بفروشد و مواد تهیه کند و یا به جای خوردن آن، باز به سمت مواد مخدر برود...! سوزن و سرنگ، نواربهداشتی، کاندوم، لباس زیر، یک لیوان چای

داغ و یک وعده غذای گرم هم به زنان می‌دهند... لباس گرم برای زنان از نان شب هم واجب‌تر است...!



تشویق و ترغیب زنان برای استفاده از قرص‌های ضد بارداری یکی از ضروریات است که مسئولان خانه‌ی خورشید به آن تاکید می‌کنند...! بسیاری از زنان تمایل دارند که از طریق عمل جراحی و بستن لوله‌های رحمی، دیگر بچه‌دار نشوند اما یکی از اصول این جراحی، موافقت کتبی و امضای همسرانشان است، درحالی‌که همسران، این زنان را با چند کودک قدونیم رها کرده و مفقود شده‌اند...! با این که تلاش زن بی‌نتیجه می‌ماند،

اما نمی‌تواند به روابط صیغهای و موقت تن ندهد...!

✘

مادر است یا حداقل پسرش او را «مامان» صدا می‌زنند... اغلب وقتی با این کلمه مواجه می‌شود، دلش می‌خواهد سیلی محکمی نثار پسرش کند تا دیگر مادر بودنش را به رخ نکشد! «مرضیه» مادر 38 ساله ته جیب‌های مانتوی کثیف و سوخته‌اش حتی پولی برای خرید یک جوراب بچه‌گانه ندارد... انگشتان پای پسرش یکجا از دمپایی‌هایش بیرون زده و از سرمای اولین باران پاییزی سیاه و کبود شده...!

✘

مرضیه می‌گوید: «پولی بابت خرید شیشه و مواد مخدر نمی‌دهم؛ 10 بسته شیشه می‌فروشم و صاحب کارم یک بسته مواد مخدر بابت دستمزد می‌دهد... اکثر دوستانم همین طور مواد می‌فروشند؛ در واقع ما را به اسم «ساقی مواد مخدر» می‌شناسند!»

✘

مرضیه سیگارش را روشن می‌کند و بعد از اینکه آب بینی‌اش را با صدای بلند تمام و کمال بالا می‌کشد به مدیر مرکز «خانه خورشید» آهسته می‌گوید:
پاهام زخم شدن، لباس زیر دارید...؟!!

✘

سحر یکی از زنان سرزمین خورشید است... با دستپاچگی وارد اتاق مدیر مرکز می‌شود و می‌گوید: پدرم باز می‌خواهد صحبت کند... اجازه می‌دهید؟

✘

پدرسحر هم معتاد است، وقتی وارد اتاق می‌شود سر به زیر می‌گوید: «سحر در خانه لب به غذا نمی‌زند، حرف نمی‌زنند... بچه ساده‌ست، نذارید با

زنان دیگر مراوده کند...!» مدیر مرکز خانه خورشید به پدر سحر می‌گوید: «سحر این جا هم غذا می‌خورد و هم با دیگران رابطه دارد؛ خودتان بگویید که در خانه چه بر سر سحر می‌آید...» پدر سحر سرش را به زیر می‌اندازد و با مکث می‌گوید: چیزی نشده... چیزی نشده...

✘

مدیر مرکز در برابر کنجکاوی‌های خبرنگار ایلنا در مورد این موضوع با نارحتی می‌گوید: دخترش را شبها در اختیار دیگران می‌گذارد تا پول موادش را تامین کند...! اما سحر که مشغول قلاب‌بافی و بافتن لیف بود روایت دیگری از یک اتفاق تعریف کرد: «یک سال با بابام تریاک می‌کشیدم، با پای خودم اومدم خانه خورشید از خونه بدم می‌یاد، دلم نمی‌خواد خانه باشم... نا مادری‌ام چشم دیدنم و نداره... هم ازش بد می‌یاد و هم ازش می‌ترسم... از مادر خودم بی‌خبرم...!»

✘

سحر در مورد نگرانی پدرش و اتفاقات شب‌های اخیر می‌گوید: «چند روز پیش یک ماشین من و پدرم و سوار کرد... راننده جوان از پدرم خواست تا یک سیگار بخرد و وقتی پدرم از ماشین پیاده شد با سرعت حرکت کرد، من و به خونه‌ی یکی از دوستانش برد و به من تجاوز کرد... حتی

يك تومان هم كف دستم نگذاشت...!»



سحر عرق پيشاني‌اش را پاك مي‌كند و به يك زن ديگر كه توانايي حركت ندارد خيره ميشود و ادامه مي‌دهد: يك بار ازدواج كردم اما زمان ازدواج از معتادبودنم حرفي نزدم در خانه بهانه‌گير بودم و بي‌جهت دعوا مي‌كردم... همسرم شك كرد و فهميد كه اعتياد دارم...! منو مثل يك سگ از خونه بيرون كرد و طلاق داد!»



مرکز کاهش آسیب اعتیاد زنان خدمات روانشناسی و مددکاری هم به زنان آرایه می‌دهد؛ آموزش افراد دارای رفتارهای پرخطر در رابطه با تزریق ایمن، رفتار جنسی سالم، نحوه استفاده از کاندوم و راه‌های پیشگیری از ابتلا به ایدز و هپاتیت را در دستور کار دارد همچنین انجام رایگان مشاوره‌های مددکاری و روان‌شناسی، تست داوطلبانه (VCT) مددجویان در ارتباط با ویروس HIV و بیماری هپاتیت و واکسیناسیون علیه بیماری‌های واگیردار از دیگر اقداماتی است که در خانه خورشید آرایه می‌شود.



مرضیه 29 ساله که سایر زنان مرکز گاهی او را «خوشگل خانم» صدا می‌زنند، دو شب گذشته يك خودکشی ناموفق داشته... جاي زخم طناب روی گردن از گوشه روسری‌اش پیداست...!



خودش می‌گوید که با کمر بند مانتو خودش را آویزان کرده اما بند مانتو پاره شده و به قول خودش هنوز به مرگش در زندگی ادامه می‌دهد...! مرضیه يك بار از شوهرش که می‌گوید «همه‌ی زندگی‌اش» بوده طلاق گرفته... از روز بعد از طلاق روزگارش سیاه شده و بارها خودکشی کرده...



او از اینکه خودکشی‌هایش جواب نمی‌دهد گلایه می‌کند؛ با اینکه رمقی برای حرف زدن ندارد می‌گوید: «يك روز نزديك 2 ساعت اطراف يك پل عابر پیاده كشيك دادم تا بينم موقعيت براي خودکشی مساعد است یا نه؛ وقتی آویزان شدم، فقط يك لحظه فرصت می‌خواستم تا خودم را پرت کنم اما يك باره ده دست از پشت کمرم را گرفتن...! نفرین به آدم‌هایی که بی‌موقع سر می‌رسند...»؛ «قبلا که بچه بودم فکر می‌کردم قرص‌های بزرگ‌تر

آدم و راحت‌تر می‌کشن اما الان ديگر كاملا می‌دونم که کدام قرص‌ها زودتر و راحت‌تر آدم و خلاص می‌کنند...!»



حوالی ظهر که میشود 2 نفر که خودشان هم مصرف‌کننده شربت متادون هستند به مرکز می‌آیند و کیسه‌های خالی خود را از سوزن و سرنگ، کاندوم و وسایل بهداشتی، ديگر پر می‌کنند و به سراغ سایر پاتوق‌ها و محل تجمع معتادان می‌روند تا شاید بتوانند با دادن وسایل

بهداشتي به آنها، زنان و مردان معتاد و در معرض خطر ديگر را براي حضور در اين مرکز و استفاده از شربت متادون تشويق کنند.



خانه خورشيد يا همان مرکز کاهش آسيب اعتياد، بهترين وسيله براي دسترسي به بيماران دور از دسترس هستند و از اين رو كليدي ترين وسيله براي کنترل بيماري هاي عفوني مانند ايدز و هپاتيت به شمار مي آيند... شناسايي مکان هاي تجمع زنان کارتن خواب و برقراري ارتباط با آنها از اولويت هاي اصلي اين مرکز است.



خانه خورشيد اگرچه از سوي سازمان بهزيستي مجوز قانوني دارد اما با اين وجود همچنان در فقر بودجه اي به سر مي برد.

